

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۳۱ دسمبر ۲۰۲۰

جهان ۲۰۲۰ از زبان آمار

به موازات تخریب زندگانی میلیاردها انسان دردمند، جهان در سال ۲۰۲۰، شاهد رودروئی و مقابله با میکروب آزمایشگاهی کرونا بوده است. بنابه خبرگزاری های امپریالیستی تابه حال نزدیک به ۲ میلیون نفر جان خود را از دست داده و هزاران نفر در صف مرگ اند. پس سال ۲۰۲۰ را نمی شود صرفاً به عنوان سالی پُر تلاطم، ناآرام و از کار افتادن چرخ اقتصاد جامعه، بیکاری و بی خانمانی بیش از پیش میلیون ها توده محروم، بلکه می بایست سال جنگ بیولوژیک قدرت مداران بزرگ و آن هم تحت عنوان "مقابله" با ویروس کرونا توضیح داد؛ جنگی که به مانند دیگر جنگ های امپریالیستی، جهان انسانی را به مسیر خوف و وحشت سازمان داده و بر نامنی های میلیاردها توده دردمند افزوده است.

در هر صورت در حول و حوش "خلقت" ویروس کرونا، بحث و حدیث های متفاوتی موجود است که تاحدودی می توان - و در حقیقت می شود -، بدانها استناد کرد. نیز و علی رغم اختلاف نظرات و برداشت های جورواجور، بر روی چندین موضوع وحدت نظر است مبنی بر این که، زندگی و ناامنی جانی و شغلی، و به ویژه نوع رفتار و کردار جامعه و مردم - تا حدودی - تغییر کرده است؛ توافق است که بر میزان بیکاری ها اضافه شده است؛ خشونت خانوادگی جهش بی سابقه ای داشته است؛ بی غذایی کودکان بالا رفته است؛ از دست دادن خانه و کاشانه محروم ترین اقشار جامعه شدت یافته است؛ بخش عظیمی از اقتصاد جوامع متفاوت از حرکت باز ایستاده است؛ سازوکارهای کاری و آموزشی دست خوش تغییرات شده است. در نتیجه همه اینها به تصور دولت های امپریالیستی، در اثر برآمدن ویروس "ناخواسته" کرونا بوده است.

جدا از میزان درستی و یا نادرستی ویروس کرونا، و نیز دروغ پردازی های مسببان فاجعه اخیر و صدها فاجعه مشابه، این پرسش های حقیقی مطرح است که آمران و عاملان وضعیت کنونی چه کسانی هستند و قربانیان اصلی آن کدامین طبقه اند؟ به چه دلیل همواره نیرو و جان ۹۹ درصدی جامعه در معرض خطر و نابودی است و ۱ درصدی ها در امنیت کامل به سر می برند؟ چطور علی رغم پیشرفت علم و دانش، تکنولوژی و رشد ابزار و آلات پزشکی و نظایر اینها، نمی توان بر دامنه صدها حادثه طبیعی، مسمومیت های ناشی از غذا، زمین و هوا و یا میکروب های حقیقی - و نه آزمایشگاهی -، جلوگیری به عمل آورد؟ برآستی آیا جهان پُر از ثروت و امکانات، قادر به حفظ و حراست از جان و مال مردم در برابر حوادث متفاوت نیست؟

قبل از اشاره مختصر به موارد فوق، تکرار این موضوع بی فایده نیست که ذهن انسان به درجه ای از رشد و تکامل رسیده است که قادر به شناخت و پیش بینی حوادث آتی، و نیز مستعدِ جلوگیری از تخریبِ خانه و کاشانه و جان و مال میلیون ها انسان در اثر حادثه های طبیعی همچون باد و باران، سیل و طوفان و یا مقابله با ویروس و میکروب های حاصل از سیل، آتش سوزی، مسمومیت و امثالهم است. بنابه چنین واقعیاتی می شود جهان انسانی را از صدها درد حاصل از طبیعت حفاظت کرد، ولی از آنجا که منطق و خواست های نظام های سرمایه داری، با توطئه، دسیسه چینی برای سود و با انباشت ثروت بنا شده است، از آنجا که رشد و تکنولوژی نه در خدمت به بشریت بلکه در جهت منافع اندک محدودی از جامعه سازمان داده شده است. پس ده ها ویروس ساخته و پرداخته امری طبیعی به حساب آمده و می آید. منظور از این که نمی توان - اوضاع کنونی یعنی بی تفاوتی سران حکومت ها نسبت به تلف شدن مردم در اثر کرونا را در حوزه ناتوانی و یا به بی قابلیت حاکمان جهان ربط داد، بلکه دلیل اصلی آن به سیاست های کلان تر جناح های رقیب امپریالیستی بر می گردد.

نمونه ها فراوان اند و نیز تاریخ جنگ های بیولوژیک هم در خلاف این نظر نیست که چگونه حاکمان و سرمایه داران، به نیت چیرگی بیش از پیش، جهان انسانی را به میدان های آزمایش تبدیل کرده اند. سمی کردن آب، شیوع طاعون، آلوده کردن سرخپوستان توسط انگلستان از طریق اهدای پتوهای آغشته به آبله، آلوده کردن گوسفندان قبل از صادرات به دیگر کشورها، سیاه زخم، شبه حصبه، سارس و نظایر اینها، از جمله جنگ های بیولوژیکی بوده که دنیای انسانی در قرن ها و در دوره های متفاوت با آنها رودررو بوده است. بنابراین و خلاف بعضاً تصورات رایج، اشاعه ویروس کرونا را می شود در چنین راستائی توضیح داد؛ ویروسی که پیشاپیش و چندین ماه قبل از سربلند کردن آن، «بیل گیتس» مؤسس میکروسافت خبر از رودروئی و مقابله با آن را سر داده بود و تازگی ها از ویروس کُشنده تر از کرونا - و آن هم در سال ۲۰۲۳ - حرف به میان آورده است؛ و یا این که «جیمز استافریدیرز»، فرمانده سابق نیروهای امریکائی مستقر در اروپا چند هفته قبل از شیوع ویروس، در یادداشتی در نشریه فارن پالیسی مطرح کرد که در دنیای امروز، سلاح های بیولوژیکی وجود دارند که می تواند تا یک پنجم جمعیت جهان را به کام مرگ بکشاند». نیز در روسیه، سیاستمداران و دانشمندان علوم زیستی معتقدند که ویروس کرونا سلاح بیولوژیک امریکاست که از دل آزمایشگاه های آنها سر برآورده تا جایگاه اقتصادی خود را در جهان حفظ کند. «ولادیمیر ژیرینفسکی»، نایب رئیس دوما روسیه هم، امریکا را عامل اصلی انتشار ویروس کرونا دانسته و در سخنرانی خود توضیح داده که امریکا مقصر است و از نظر اقتصادی، امریکائی ها هراس دارند که نتوانند بر چین غلبه کنند و یا حداقل هم سطح آنان باشند. جدا از داده ها و بگومگوهای جناح های رقیب امپریالیستی، گسترش ویروس کرونا را نمی شود به بی تفاوتی و یا به بی لیاقتی حاکمان در اداره جامعه توضیح داد، بلکه تماماً همتراز با خواست های سیاسی - اقتصادی شان می باشد. تا به حال معلوم شده است که جان مردم برای قدرت مداران بی ارزش است و فکر و ذکرشان تولید ویروس هائی همچون ویروس جنگ و امثالهم است؟ معلوم شده است که سارس، آبولا و نظایر اینها را به جان مردم انداختند تا بر سود و بر رونق کمپانی های داروسازی شان بیفزایند؟ معلوم شده است که جنگ های بیولوژیکی به راه می اندازند تا قدرت شان را به رقباء و به دنیای انسانی تحمیل کنند؟ نیز معلوم شده است که چگونه همزمان و "مقابله" با ویروس کرونا، میلیون ها کودک را بی غذا کرده اند؛ سقف میلیون ها انسان دردمند کم درآمد را گرفته اند؛ میلیون کارگر را کار اخراج کرده اند؛ و میلیاردها نفر را در ترس و وحشت قرار داده اند تا به گمان مردم از مرض کرونا نجات دهند! معلوم شده است که فریبکار اند و ریا و کلاشی با مرام و با افکارشان تنیده و انساندوستی شان تهوع آور است.

به دیگر سُخن، مرور به تاریخ هم تأییدگر این قضیه است که چطور جوامع ناعادل و سرمایه داری، با ابداع ابزار و آلات کُشنده و با تولید مرض های متفاوت زندگانی زیردستان را به تباهی کشانده اند. در نتیجه جهان ۲۰۲۰ را هم نمی شود، جهان متضاد با سال های پیشین توضیح داد. درست است که فقر ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته و جامعه روز به روز ناامن تر و بیکاری ها افزایش یافته است؛ درست است که کودکان بیشتری بی غذا شده اند؛ درست است که بر خیل میلیونی بیکاران افزوده شده است و درست که خشونت خانوادگی و بیماری های روحی و روانی ابعاد بسیار بلندبالائی به خود گرفته است؛ منظور از این که، چنین اوضاعی را نمی شود، صرفاً به سر راست کردن ویروس کرونا مربوط دانست؛ چرا که بیش از ۱ میلیون نفر در اثر نبود آب - در سال ۲۰۲۰ - جان خود را از دست داده اند؛ نزدیک به ۳۵۰ هزار مادر در هنگام زایمان به تله مرگ افتاده اند؛ نزدیک به ۲ میلیون نفر در اثر ایدز جان داده اند؛ مرگ و میر ناشی از مالاریا رقم ۴۰۰ هزار نفری داشته است؛ ۵ میلیون نفر در اثر استعمال سیگار جان داده اند؛ الکل جان ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر را گرفته است؛ ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در اثر ناامنی جاده ها کُشته شده اند؛ ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در اثر خودکشی جان شان را از دست داده اند؛ ۸ میلیون کودک زیر ۵ سال در سال گذشته جان داده اند؛ نزدیک به ۱ میلیارد نفر فاقد دسترسی به آب آشامیدنی سالم اند؛ روزانه ۳۰ هزار نفر - یعنی بیش از ۱۰ میلیون نفر در سال - به دلیل گرسنگی جان می دهند؛ ۶ میلیارد هکتار از جنگل ها در اثر سوذجویی حاکمان در سال ۲۰۲۰ از دست رفته است.... علاوه بر این ها اگر به آمار کُشته شدگان و آواره شدن میلیون ها انسان محروم در جنگ های ارتجاعی را به ارقام بالا اضافه کنیم، آن وقت روشن تر به ماهیت اداره کنندگان جهان کنونی پی خواهیم بُرد.

دریغا! جهان پُر از مرگ و میر انسان های نادر و فاقد کمترین امکانات حفاظتی، بهداشتی و مالی شده است و پُر واضح است که رقم ها بسیار جلوتر از تلفات ارائه داده شده پیرامون ویروس کرونا می باشد. متعاقباً روشن شده است که چگونه حاکمان کنونی و آن هم در هنگامه "مبارزه" با ویروس کرونا، نزدیک به ۳۰ میلیون عمل جراحی فوری را لغو کرده اند و نیز نزدیک به ۲۰ میلیون نفر - در سال ۲۰۲۰ -، در اثر بیماری های قلبی جان شان را از دست داده اند. در ادامه و بر اساس گزارش کمیسیون سنجش اجتماعی، در انگلستان حدود ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک در اثر فقر بی غذا شده اند، رقمی که بنابه خبرگزاری های خودی شان، ۳۳ درصد از کودکان کشور را تشکیل می دهند؛ در امریکا هم ۳۰ میلیون بیکار و ۵۰ میلیون گرسنه وجود دارد و "بنیاد برتلسمن" المان هم گزارش داده است که حدود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کودک در شرایط فقر رشد می کنند.

پس و بنابه چنین حقایق و علائم روشنی، آیا نمی شود هر آنچه را که طبقات حاکمه ادعا می کنند به حساب فریبکاری و دغل بازی های شان نوشت؟ آیا می شود کمترین اطمینان و یا اعتمادی به کارکردها و به حرف های شان داشت؟ به طور قطع مبارزه ادعائی حاکمان با ویروس کرونا، نه تنها برابر با حفظ و حراست از جان و مال میلیاردها انسان دردمند نیست. بلکه هُل دادن آنان به مسیر ناامنی و نداری بیش از پیش است؛ برابر با بیکاری میلیون ها انسان از کار است؛ برابر با تلف شدن میلیون ها نفر دیگر در اثر لغو عمل های جراحی و دیگر مرض های ساخته و پرداخته سرمایه داران است؛ مواردی که شوربختانه در سال ۲۰۲۰، جهان انسانی را - به همراه ویروس کرونا - محاصره کرده و باعث شده است تا جان میلیونها تن دیگر را بگیرد. در ۱ سال اخیر میلیون ها کسبه کوچک و ورشکسته و بازارشان کساد شده است و در عوض و آن هم در دوران ویروس کرونا و بی رونقی اقتصاد، بر ثروت کمپانی های داروسازی و نیز ۵۶۵ میلیارد دالر بر ثروت، ثروتمندانی از جمله «جف بیزوس» مؤسس شرکت آمازون، «بیل گیتس» مؤسس شرکت میکروسافت، «مارک زاکربرگ» مؤسس فیس بوک، «ایلان ماسک» بُنیانگذار شرکت خودروسازی تسلا و اسپیس

ایکس اضافه شده است. این ثمره و خاصیت ویروس کرونا در جهان ۲۰۲۰ برای میلیاردها توده دردمند و سرمایه داران بوده است.

البته سرمایه داران - در سال ۲۰۲۰ - تلاش بسیاری کرده اند تا با سلاح ویروس کرونا، جامعه اعتراضی - مبارزاتی را مرعوب سیاست های ضد انسانی شان کنند. به بهانه مقابله با ویروس کرونا هرگونه تجمع چند نفره را ممنوع و کوشیده اند تا جامعه اعتراضی را از طرح مطالباتش باز دارند؛ کوشیده اند تا همزمان و "مقابله" با کرونا اهداف پلیدشان را به جامعه و به میلیون ها کارگر، زحمتکش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی تحمیل کنند؛ ولی میلیون ها کارگر و توده صدمه دیده علی رغم محدودیت ها و تدابیر شدید امنیتی، از طرح مطالبات شان باز نمانده اند و در وقت های متفاوت به خیابان ها سرازیر شده اند و حاکمان را به مصاف طلبیده اند. به طور مثال در فرانسه - در سال ۲۰۲۰ - صدها تن از کارکنان بخش های فرهنگی و هنری به خیابان ها سرازیر شدند و خواهان خاتمه "قرنطنیه فرهنگی" شدند؛ درگیری های شدید بین مردم با سیاست های خشونت آمیز دولت مکرون در شهرهای متفاوت فرانسه و آن هم در دفاع از آزادی بیان و نیز علیه لایحه قانون "جامع امنیتی" را می شود از جمله تاریخ اعتراضات گسترده سال ۲۰۲۰ فرانسه نوشت؛ اعتراض و راهپیمایی در حمایت از اخراج ۲۴۲ فرصت شغلی از ۵۰۰ فرصت شغلی کارخانه تولید قطعات مکانیکی پیچیده در بخش هوانوردی، تظاهرات در شهر شمال فرانسه (ایسنوویل) و در اعتراض به تعدیل نیرو در یکی از آزمایشگاه ها، تظاهرات صدها هزار نفری در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه به دلیل برنامه دولت در تغییر مقررات و بازنشستگی، تظاهرات اعتراضی و به آتش کشیدن حمل و نقل عمومی در شهر مونبلیار در شرق فرانسه، همه و همه نمایانگر این واقعیات است که از یک سو مردم در برابر سیاست های امپریالیستی در میدان اند و از سوی بیانگر این موضوع است که حکومت مداران و دولت مداران، در تعرض به معیشت و درخواست های پایه ئی میلیون ها توده دردمند کمترین مکث و توفقی نخواهند کرد؛ نشان داده اند که کسب و کارشان از حرکت باز نایستاده است و همچنان به دنبال تولید و فروش سلاح های کشنده اند. گفتنی است که در هنگامه "مبارزه" با کرونا، دولت امریکا در سال ۲۰۲۰، صادرات تسلیحاتی به میزان ۱۷۵ میلیارد دلاری و آن هم با رشد ۲.۸ درصدی داشته است.

این سیما و جهان ۲۰۲۰ قدرت مداران و ثروتمندان بوده است و البته که اوضاع زیستی و اعتراضی کارگران و زحمتکشان ایران هم متفاوت با دیگر توده های زیر سلطه نظام های سرمایه داری نیست. جدا از مرگ و میر قربانیان نظام امپریالیستی در اثر ویروس کرونا، هزاران کارگر از کار بیکار و میلیون ها کودک به لشکر فقر روزافزون پیوسته اند. تعطیلی کارخانه ها یکی پس از دیگری و متعاقباً عدم پرداخت حقوق های کارگران، فضای ناامن جامعه کارگری را هم چندین برابر کرده است. در حقیقت درد کارگران در ایران بسیار است و آن قدر اوضاع کارگران وخیم و به دنبال وعده و وعیدهای دولتی ها و نمایندگان شان بالاست که چند روز قبل کارگران هفت تپه و در پاسخ به حامیان و منادیان سرمایه گفته اند: **"انتظار داریم که نمایندگان وعده ندهند و عمل را با وعده توأم کنند؛ چرا که گوش هایمان از وعده پُر است و دیگر جانی برای ضبط وعده ها نداریم"**. برآستی بیش از چهل سال است که صاحبان تولیدی و دولت مداران حقوق کارگران را بالا می کشند و بیش از چهل سال است که اعتراضات آنان را به خاک و خون، کارگران مخالف را به دلیل درخواست مطالبات شان دستگیر و شکنجه، به دادگاه احضار می کنند و به شلاق شان می بندند تا سود سرمایه داران بیشتر شود. بیش از چهل سال است که نظام در پی پس زدن اعتراضات کارگری است و در مقابل بیش از چهل سال است که کارگران دقیقه ای از بازستانی حقوق پایمال شده شان پس نکشیده اند.

باری، کارگران ایران در حوزه های گوناگون در مضیقه اند و متأسفانه خودسوزی به دلیل ناتوانی در تهیه نیازهای اولیه زندگی، به انتخاب ناخواسته بعضاً کارگران تبدیل شده است. همین چند وقت قبل «صابر بهبودی» ۳۲ ساله، اهل

روستای گنجۀ رودبار از توابع استان گیلان به دنبال بیکاری دست به خودسوزی زد و ۳ روز بعد نیز جان خود را از دست داد. نیز ۵ میلیون از ۱۶ میلیون کودکِ سنین مدرسه، به واسطه فقر والدین شان از آموزش باز مانده اند. افزایش اقلام اولیه زندگی دقیقه ای است و به دنبال سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۹ هم صدها نفر را به دلیل مخالفت و اعتراض و دیگر جرائم حاصل دست سازشان اعدام کرده اند.

نرخ بیکاری در ایران بالا می رود به این علت که طبقه سرمایه داری به دنبال ایجاد اشتغال مبتنی بر نیازهای جامعه و مردم نیست؛ خرید سلاح و سرکوب بیشتر می شود به این دلیل که به دنبال سودآوری و کنترل اعتراضی جامعه از مصائب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ خشونت خانوادگی روبه افزون است به این علت که خانه ها فاقد استانداردهای لازمه و خانواده ها ناتوان از پاسخگویی به نیازهای منطبق با تورم جامعه اند؛ تبعیض و نابرابری ها رشد چندین درصدی داشته است به این دلیل که فرهنگ حاکم بر جامعه، مطابق با ترویج و رواج چند دستگی میان قربانیان دولت های امپریالیستی است؛ اعتراضات کارگری بالا رفته است به این دلیل که حقوق کارگران را نمی دهند و روز به روز در پی تصویب قوانین ناعادلانه و اخراج آنان اند. پس بی علت نیست که جامعه اعتراضی ایران و علی رغم تدابیر شدید امنیتی و نیز توصیه های سران حکومت در هنگامه "مبارزه" با ویروس کرونا، از حرکت باز نایستاده و حکومت مداران و دولت مداران را به مصاف طلبیده است.

مگر بی دلیل نوده است که در سال ۲۰۲۰، کارگران و کارکنان پتروشیمی در جنوب ایران اقدام به تجمع و اعتصاب کردند و خواستار پرداخت دستمزد معوقه و اجرای طبقه بندی مشاغل شدند؟ مگر بی علت نوده است که کارگران شرکت نفت سنگین قشم در واکنش به عدم پرداخت مطالبات شان، دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند؟ البته اعتراضات کارگری در ایران مختص به موارد فوق - نوده و - نیست و می شود از صدها اعتراض و اعتصاب گفت و نوشت و نشان داد که چگونه جامعه کارگری ایران به مانند دیگر جوامع سرمایه داری در چنبره سیاست های ضد کارگری و ضد انسانی طبقات حاکمه گیر کرده و جدا از به نبرد فراخواندن طبقه سرمایه داری، هزینه های بس سنگینی می دهد. در حقیقت این اوضاع دهشتناکی است که کارگران ایران به همراه دیگر توده های محروم به طور روزانه با آن ها رودررو می باشند و بدون کمترین تردیدی، بروز چنین فجایی مربوط به نابرابری های ساختاری درون جامعه، و مربوط به زیاده خواهی های حاکمان مستبد است.

خلاصه قوانین و سیاست نظام های سرمایه داری و نیز نظام وابسته جمهوری اسلامی مطابق با منافع و سیاست های طبقه سرمایه داری نوشته شده است و کمترین امید و انتظاری از آنچه را که تابه حال در مقابل جامعه انسانی در پیش گرفته اند، نیست. برای این که آمده اند تا با تولید صدها ویروس، از ویروس جنگ گرفته تا ویروس های ساخته و پرداخته آزمایشگاهی، جامعه سیاسی را مرعوب و به تنمۀ های میلیاردی کارگر و زحمتکش تعرض کنند. یک راه پاسخگویی اوضاع کنونی و در حقیقت آماده مقابله حقیقی با ویروس های حاصل از طبیعت، مسمومیت و نظایر این هاست و آن هم برقراری نظام مبتنی بر به رسمیت شناختن حقوق انسان هاست. تنها در زیر سلطه چنین نظام ها و تحت حاکمیت کارگران و زحمتکشان است که ثروت جامعه بین سازندگان اصلی آن تقسیم، و نیز در آن زمان است که نه از فقر و نداری کودکان خبری خواهد بود و نه از تولید میکروب های کشنده. این دنیا و خواست باطنی است میلیاردها انسان دردمند طالب آند.

۳۰ دسمبر ۱۰/۲۰۲۰ دی [جدی] ۱۳۹۹